

کارگران معدن آسمنون یک گام به پیش در مقابله با کارفرما و دولت

اعتراضات و اعتصابات کارگری همچنان در حال افزایش است. افزون بر شرایط سیاسی جامعه، اوضاع به‌غایت وخامت بار اقتصادی، گرانی‌های روزافزون و تنگناها و فشارهای طاقت‌فرسای معیشتی، توده‌های کارگر را بیش‌ازپیش به سمت اعتراض علنی کشانده است. اوضاع چنان سخت و دشوار و وخیم است که حتی نیازهای اولیه و مایحتاج ضروری برای



در صفحه ۳

اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، نیاز تحریم فعال

در شرایطی که بحران‌های علاج ناپذیر نظم موجود در ایران عمق و ژرفای بی‌سابقه‌ای یافته، ورشکستگی و بن بست سیاسی طبقه حاکم به نهایت خود رسیده است، بحران سیاسی ژرفی جامعه ایران را فراگرفته و توده‌های مردم ایران با مبارزات علنی و مستقیم خود آشکارا نشان داده‌اند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند نظم ارتجاعی حاکم را تحمل کنند، جمهوری اسلامی بار دیگر در تدارک برپائی خیمه‌شببازی موسوم به انتخابات برآمده است.

اگر طبقه حاکم بر ایران و پادوان تبلیغاتی آن، سال‌ها با ایجاد جو ارباب، آراء قلابی و ساختگی، عوام‌فریبی بر سر اصلاح‌طلب و اصول‌گرا و بالاخره انتخاب میان بد و بدتر، می‌کوشیدند بر این واقعیت سرپوش بگذارند که مردم ایران مخالف جمهوری اسلامی و تمام نظم ارتجاعی موجود هستند، در دی‌ماه سال ۹۶ توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران با برپائی موج گسترده‌ای از تظاهرات در خیابان‌های چندین شهر ایران، آشکارا نه به اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، نه به جمهوری اسلامی، نه به تمام نظم حاکم بر ایران را با صدای بلند اعلام کردند. این مبارزات فقط در محدوده اعتصابات، تظاهرات و هزاران مورد از تجمع‌های اعتراضی ضد دولتی با شعارهای

در صفحه ۲

واقعیت تحریم "انتخابات" را به تحریم فعال تبدیل کنیم

در صفحه ۸

همبستگی با جنبش‌های اعتراضی

و اعتصاب عمومی

سراسری در کلمبیا

در صفحه ۱۱

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ

و کمونیست در مورد

مضحکه انتخابات در ایران

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

در صفحه ۹

چرایی و چشم‌انداز افزایش

اعتراضات خیابانی گروه‌های مختلف اجتماعی ۱۲

کرونا و مطالبه‌ی به حق واکسیناسیون رایگان و همگانی

در نتیجه بی‌توجهی دولت در شتاب بخشیدن به واکسیناسیون عمومی، پاندمی کرونا همچنان در ایران بیدار می‌کند. روزانه صدها نفر در مسلخ کرونا قربانی می‌شوند. کشتار روزانه این تعداد از مردم ایران، در حالی است که واکسیناسیون عمومی در بسیاری از کشورها عملی شده و مردم به زندگی عادی بازگشته‌اند. در ایران تحت حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

در صفحه ۶

دریغ از ذره‌ای شرم در ادعاهای روحانی

در تمام دوران ریاست جمهوری، هر بار که روحانی دهان گشوده است، جز مشت‌های دروغ و ادعاهای گراف از آن بیرون نیامده است. اگر در ابتدای دوران ریاست جمهوری وی، توهمی وجود می‌داشت و تلاش می‌شد این توهم پابرجا بماند، اکنون پس از ۸ سال، تمامی توهمات زده شده و مردم با انزجار از آن روی برمی‌گردانند. ۸ سالی که نه تنها توهمات به

در صفحه ۵

اعتصاب عمومی علیه رفرماسیون نئولیبرالی در کلمبیا

از ۲۸ آوریل ۲۰۲۱، در اقصی نقاط کشور ۵۰ میلیونی کلمبیا با شکل‌گیری اعتراضات و مقاومت مواجه هستیم. در همه شهرها و روستاها هر روزه اعتراضاتی از جمله بستن خیابان‌ها و جاده‌ها، برای مقابله با پلیس و ارتش، دیده می‌شود.

اعتصابات و اعتراضات در پی فراخوان برپایی اعتصاب عمومی در ۲۸ آوریل با شعار "برای زندگی، صلح، دموکراسی" از سوی "کمیته ملی اعتصاب" (Comite Nacional de Paro, CNP) متشکل از اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های سیاسی و اجتماعی کلمبیا با هدف مقابله با سیاست‌های دولت راست افراطی و رفرم‌های اقتصادی رئیس‌جمهوری کلمبیا، ایوان دوکه، جان تازه‌ای گرفتند.

اعتصاب عمومی روز ۲۸ آپریل آغازگاه بسیج مجدد با تاکید بر خواسته‌های فراخوان اعتصاب عظیم نوامبر ۲۰۱۹ می‌باشد. اعتراضاتی که در مارس ۲۰۲۰ با شیوع کرونا و برقراری محدودیت در ساعات رفت و آمد متوقف شدند بی‌آنکه مذاکرات با دولت نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد. کمیته در فراخوان خود نوشته است:

"انگیزه ما از بسیج فوق‌العاده‌ای که در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۹ داشتیم، کماکان به قوت خود باقی است: بخاطر

در صفحه ۷

اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، نیاز تحریم فعال

رادیکال محدود نماند، بلکه توده‌های زحمتکش در قیام آبان ماه سال ۹۸ که تقریباً تمام شهرهای ایران را فراگرفت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی مستقیماً اقدام کردند. بنابراین، سطح مبارزه بسیار فراتر از شعار نه به جمهوری اسلامی رفت و مستقیماً سرنگونی عملی رژیم در دستور کار قرار گرفت. ارتجاع البته با کشتار و سرکوب گسترده توانست خود را موقتاً نجات دهد. اما نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی نه کاهش، بلکه افزایش یافت. مبارزه در ابعاد گسترده‌تری ادامه یافت و امروز این سرنگونی، میرمیر از هر زمان دیگر همچنان در دستور کار توده‌های کارگر و زحمتکش، قرار دارد. درچنین شرایطی از اوضاع سیاسی، پوشیده نبود که مردم ایران یک سال پیش مضحکه انتخاباتی مجلس ارتجاع اسلامی رژیم را نیز تحریم کنند و رژیم را با تمام تقلب‌هایش ناگزیر سازند که اعتراف کند تقریباً ۶۰ درصد مردم در این خیمه‌شب‌بازی شرکت نکردند.

بنابراین پیشاپیش روشن است که کارگران و زحمتکشان ایران، اکنون نیز پاسخی کوبنده‌تر از گذشته به رژیم خواهند داد.

نفرت و انزجار مردم از جمهوری اسلامی و جناح‌های طبقه حاکم، رسوایی و ورشکستگی این رژیم اکنون به مرحله‌ای رسیده که حتی تعدادی از گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون بورژوازی نیز که سال‌ها مستقیم و غیرمستقیم از رژیم حمایت می‌کردند، آن‌ها نیز در برابر خیمه‌شب‌بازی جدید رژیم، شعار تحریم انتخابات و برخی از آن‌ها تحریم فعال را مطرح کرده‌اند. در واقعیت اما برای این هر دو دسته، تحریم چیزی جز امتناع از رأی دادن نیست و این امتناع جز یک تحریم منفعلانه و غیرفعال معنا نمی‌دهد. آن‌ها خواهان برافتادن نظم حاکم بر ایران نیستند. از دیدگاه آن‌ها، تحریم تنها یک وسیله اعمال فشار به رژیم برای به عقب واداشتن آن، با هدف کسب برخی امتیازات است. گروهی از این جریان‌ها بورژوازی چیزی جز این نمی‌خواهند که خامنه‌ای کنار برود، ولی‌فقیه جدیدی به‌جای او بنشیند و از دامنه اختیارات او کاسته شود. این است هدف آن‌ها از طرح شعار تحریم. اما گروهی دیگر در ظاهر خواستار گذار از جمهوری اسلامی و به‌جای آن استقرار یک جمهوری به‌اصطلاح دموکراتیک و غیرمذهبی‌اند. اما از آنجائی که آن‌ها نیز از مدافعین نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران‌اند، با انقلاب و سرنگونی قهری جمهوری اسلامی و درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود مخالفت جدی دارند. آن‌ها می‌خواهند بدون این‌که آسیبی به دستگاه دولتی موجود با تمام نیروی سرکوب پلیسی، نظامی، امنیتی و بوروکراتیک آن وارد آید، جمهوری اسلامی در جریان مبارزهای به اصطلاح مسالمت‌آمیز تحت نظارت سازمان ملل کنار رود و سپس با اصلاحاتی محدود در رو

بنای سیاسی، نام جمهوری اسلامی را به جمهوری دموکراتیک و لائیک تغییر دهند. این یعنی تلاش برای حفظ نظم موجود و فریب مردم ایران. چراکه جمهوری اسلامی همان‌گونه که در چهار دهه گذشته به‌وضوح نشان داده است، نه با مبارزهای مسالمت‌آمیز کنار می‌رود و نه اجازه خواهد داد که سازمان ملل در این رابطه نقش و دخالتی داشته باشد. بر کسی پوشیده نیست که این رژیم همواره حتی مسالمت‌آمیزترین مبارزات مردم ایران را با بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ها، سرکوب کرده است. به همگان نشان داده که تا آخرین لحظات حیات ننگینش با تکیه بر نیروی سرکوب، با بی‌رحمی، کشتار، زندان و اختناق از موجودیت خود دفاع خواهد کرد. بنابراین روشن است که چرا تمام این جریان‌ها اپوزیسیون بورژوازی حتی هنگامی که لفظ فعال را برای تحریم به کار می‌برند، خواهان چیز دیگری جز تحریم غیرفعال یعنی امتناع خشک‌وخالی از رأی دادن نیستند. این امتناع از رأی دادن کمترین خطری را متوجه رژیم نخواهد کرد و فاقد هرگونه اهمیت جدی است. چون امتناع از رأی دادن به‌خودی‌خود هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد. رژیم به روال گذشته از روش‌های مختلفی که برای اعلام آراء قلابی همواره استفاده کرده، استفاده می‌کند و درنهایت نیز وقتی که دیگر بر هر کسی آشکار شده است که مردم در این مضحکه شرکت نمی‌کنند، حرف آخر خود را می‌زند و آنچه را که امثال مصباح یزدی سال‌ها پیش مطرح می‌کردند و می‌گفتند که رژیم مشروعیتش را نه از رأی مردم بلکه از خدا می‌گیرد، رسماً اعلام می‌کند. همگان شنیدند که اخیراً سخنگوی شورای نگهبان در مصاحبه با خبرنگاری آسوشیتدپرس گفت از منظر حقوقی، مشارکت احتمالی پایین در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ هیچ مشکل حقوقی برای رژیم ایجاد نخواهد کرد و اعتبار و مشروعیت جمهوری اسلامی همچنان پابرجا خواهد بود. به زبان صریح، وی می‌گوید، رأی مردم برای رژیم همواره بی‌اعتبار بوده است. درنهایت این به اصطلاح انتخابات، صرفاً از این‌جهت برای رژیم اهمیت داشته که آن را نیز به چماقی برای سرکوب مردم تبدیل کند و از آن برای مصرف خارجی و انکار سرکوبگری‌های بیرحمانه استفاده نماید. یادمان هست که سال گذشته وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون طلوع افغانستان در پاسخ به این سؤال که چرا مردم ایران باید این‌همه فشار را متحمل شوند، پاسخ داد: "یک دلیل وجود دارد و این است که ما خودمان انتخاب کردیم یک‌جور دیگر زندگی کنیم." همین وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود که سال ۹۸ در سوئد با حضور خبرنگاران، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، نمایندگان پارلمان و سیاستمداران، در پاسخ به سؤال پایمال شدن حقوق انسانی مردم ایران، از

اساس آن را انکار کرد و گفت: "چطور ممکن است ما به مردم ظلم بکنیم، آن‌ها را سرکوب کنیم ولی مجدد ۷۳ درصد آن‌ها در انتخابات شرکت کنند و از حکومت حمایت کنند."

اما همان‌گونه که گفته شد، مردم ایران پاسخ این پلوه سرانی‌های سران رژیم را در خیابان‌ها دادند. توده‌های مردم ایران با مبارزات خود نه‌فقط سال‌هاست که از تحریم غیرفعال فراتر رفته بلکه تا سرنگونی رژیم که بیان روشنی از مخالفت با تمام نظم موجود است، پیش رفته‌اند. بنابراین، تحریم فعال معنای دیگری جز فراخواندن مردم به روی‌آوری به آن اشکال مبارزهای ندارد که سرنگونی جمهوری اسلامی را تسریع کند.

وقتی که مردم یک کشور انتخابات قلابی رژیم سیاسی حاکم را بایکوت می‌کنند به این معناست که مردم هرگونه اعتماد به طبقه حاکم و سیستم سیاسی آن را از دست‌داده‌اند و می‌خواهند سیستم دیگری را جایگزین آن کنند. وقتی که مردم به این درجه از بی‌اعتمادی به سیستم سیاسی موجود رسیده باشند و شرایط عینی جامعه نیز امکان برانداختن آن را فراهم کرده باشد، برای برچیدن انتخابات قلابی، راه دیگری در پیش ندارند جز آنکه تمام نظم موجود و طبقه‌ای را که پاسدار این نظم سیاسی است سرنگون سازند. در اینجاست که بحث تحریم فعال پیش می‌آید. تحریم فعال به این معناست که برای جاروب کردن تمام سیستم انتخاباتی، سیاسی و اجتماعی موجود، باید به تاکتیک‌های مؤثر و کارا برای برانداختن جمهوری اسلامی روی آورد. باید اعتصابات توده‌ای سرا سری برپا کرد. باید به اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه روی آورد. چراکه بدون در پیش گرفتن این اشکال مبارزه تغییری در اوضاع رخ نخواهد داد و نظم ارتجاعی حاکم همچنان پابرجا خواهد بود.

بنابراین اگر در شرایطی که نفرت توده‌های مردم ایران از نظم حاکم بر ایران به نهایت رسیده است، اگر برای مردم به کلی بی‌اهمیت است که رژیم دیکتاتوری عریان، کدام کارگزار استبداد را از صندوق‌های رأی قلابی درمی‌آورد و در راس دستگاه اجرایی‌اش قرار می‌دهد، اگر اپوزیسیون‌های بورژوازی با طرح شعار تحریم، چیزی جز امتناع خشک‌وخالی از رأی دادن یعنی بقای رژیم استبدادی نمی‌خواهند، وظیفه تمام نیروهای کمونیست، چپ و انقلابی، تبلیغ گسترده و تلاش عملی در میان توده‌های کارگر و زحمتکش، برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه به‌عنوان تاکتیک‌های مؤثر تحریم فعال برای برچیدن بساط انتخابات قلابی و فرمایشی، برای جایگزین کردن آن با سیستم انتخاباتی نوینی است که مردم را بر سرنوشت خود حاکم سازد. این سیستم انتخابی نوین، این سیستم سیاسی جدید چیزی جز یک نظم شورایی، یک حکومت شورایی نخواهد بود.

کارگران معدن آسمینون یک گام به پیش در مقابله با کارفرما و دولت



و در پی شکایت کارفرما، ۱۶ تن از فعالان کارگری این معدن که در دفاع از حقوق کارگران، فعال و پیشگام بودند، از کار اخراج شدند. کارفرما علاوه بر تحمیل قراردادهای یک‌ماهه بر کارگران حتی بر کارگرانی که ۱۰ سال و بیشتر سابقه کار داشتند، از کارگران تعهد گرفت که اعتراض نداشته باشند و حتی به اخذ سفته از کارگران نیز متوسل شد. این مسائل همه مورد اعتراض شدید کارگران قرار داشت که اعتصاب ۱۴ دی ۹۹ را در پی داشت. در ماه‌های پایانی سال ۹۹ چشم‌انداز فعالیت معدن بیش‌ازپیش تیره‌تر شد. کارفرما از تمدید قراردادهای امتناع ورزید. و از اوایل سال جاری نیز اعلام کرد معدن را به چند شرکت پیمانکاری واگذار نموده و کارگران باید با این شرکت‌ها قرارداد ببندند. در همان حال مزد کارگران را نپرداخت و سرویس‌های ایاب‌وذهاب را حذف نمود و در ادامه، به بهانه ورشکستگی، معدن را تعطیل و اعلام کرد، کارگران تا اطلاع ثانوی به شرکت مراجعه نکنند. اما کارگران که بر ادامه کاری معدن اصرار داشتند، با موتورسیکلت و وسایل شخصی و هر طور شده، در معدن حاضر شده و برای ادامه کاری آن به تلاش ادامه دادند. روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ بار دیگر کارگران این معدن در اعتراض به تعطیلی معدن و عدم تمدید قراردادهای دست به تجمع زدند و در ادامه این حرکت اعتراضی خود، جاده کهنوج- بندرعباس را به مدت ۱۰ ساعت مسدود کردند و تنها پس از وعده‌های مساعد از جانب مقامات دولتی در سطح شهرستان و استان، به اعتراض خود پایان دادند. در این اعتراض و تجمع، استاندار کرمان از طریق تلفن به کارگران وعده داد که اگر مدیرعامل شرکت معادن فاریاب نتواند معدن آسمینون را اداره کند، از او خلع ید می‌شود و شرکت‌به‌فرد دیگری واگذار خواهد شد. اما علی‌رغم این، طبق معمول هیچ‌یک از وعده‌ها عملی نشد. اوضاع شرکت مدام بدتر و آینده شغلی معدنچیان نیز بیش‌ازپیش به خطر افتاد. ادامه این روند و توقف و تعطیلی معدن، برای دومین بار در سال جاری، کارگران معدن آسمینون منوجان را به اعتراض و خیابان‌کشانند. ظاهراً کشمکش‌ها و نزاع‌هایی نیز میان مقامات دولتی و مالک خصوصی یعنی رئیس هیئت‌مدیره معادن فاریاب علی‌اصغر علی‌محمدی وجود دارد. وی خواستار کاهش یا حذف تعرفه گمرکی، کاهش بهره مالکانه دولت و نیز افزایش اختصاص سهمیه سیمان دولتی است. کمبود سیمان البته به گفته کارگران بهانه‌ای بیش نیست چراکه حدود ۶۰ درصد کارگران در معادن

مقامی حاضر نشد به صدای کارگران معترض گوش دهد و اقدامی برای رسیدگی فوری به خواست آن‌ها انجام دهد، کارگران در ادامه تجمع خود، روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت جاده کهنوج - بندرعباس را مسدود کردند. کارگران معدن که با استفاده از پارسنگ‌های کوبیایه جاده را مسدود کرده بودند، خود نیز شب‌ها را داخل تونل این جاده به صبح رساندند. این اقدام جسورانه کارگران معدن در حالی صورت گرفت که دولت ضد کارگر، نیروی یگان ویژه را برای سرکوب کارگران به محل اعزام کرده بود. اما از آنجاکه بازم توجهی به خواست‌های کارگران نشد، معدنچیان مبارز نیز در ادامه تجمعات خویش، به‌طرف شهر منوجان دست به راهپیمایی زدند و تجمعات اعتراضی خود را به مقابل فرمانداری این شهر کشاندند. در چهارمین روز اعتراض و تجمع معدنچیان، با ورود گسترده خانواده کارگران به عرصه مبارزه و حمایت برخی دیگر از اقدار زحمتکش مردم شهر، اعتراض راهپیمایی در خیابان‌های شهر، اعتراض کارگران معدن، رنگ و بوی دیگری گرفت. علی‌اصغر علی‌محمدی کارفرمای معدن منوجان، با اعلام تعطیل معدن و اخراج کارگران، حیات بیش از ۵۰۰۰ کارگر و خانواده‌های کارگران این معدن را به خطر افکنده بود. به‌رغم تجمعات پرشور کارگران و خانواده‌ها در مقابل فرمانداری منوجان، اما فرماندار این شهر بازم هیچ اقدامی به سود کارگران انجام نداد بلکه برعکس جانب کارفرما را گرفت و از او حمایت کرد. کارگران نیز در تجمعات و راهپیمایی‌های خود با سردادن شعار "فرماندار حیا کن- صندلی رو رها کن" نسبت به جانبداری و حمایت فرماندار از علی‌محمدی کارفرمای معدن و بندوبست با وی، اعتراض نمودند. ظاهراً یگان‌های ویژه اعزامی استان کرمان برای مرعوب ساختن کارگران معترض کافی نبود که به یگان‌های ویژه هرمزگان نیز آمادهاش داده شد.

این نخستین بار نیست که کارگران معدن آسمینون منوجان دست به اعتصاب و تجمع و مسدود ساختن جاده ترانزیتی کهنوج- بندرعباس می‌زنند. معدن آسمینون منوجان، از معادن بزرگ و جزء معدود معادن سنگ کرومیت کشور است که در جنوبی‌ترین نقطه استان کرمان واقع شده است. این معدن از همان دهه هشتاد که به بخش خصوصی واگذار شد، شاهد اعتراضات و اعتصابات متعدد کارگری بوده است. معدن آسمینون بارها به مرز تعطیلی کامل رسیده است. سال گذشته (۹۹) کارگران در اعتراض به اوضاع نابسامان معدن، فشارهای تشدید یابنده کارفرما و مسائلی چون عدم پرداخت دستمزد و بیمه، نوع قراردادهای دستمزد پایین و نبود وسایل ایمنی و بهداشتی چند بار دست به اعتراض و اعتصاب زدند. هر بار کارفرما و فرماندار منوجان وعده دادند به خواست‌های کارگران رسیدگی کنند، اما هیچ‌گونه اقدامی انجام نشد. در اعتصاب ۹ تیر سال ۹۹ در اعتراض به معوقات مزدی، نوع قراردادهای تشدید فشارهای کارفرما

نمردن از گرسنگی را نیز باید بازور و مبارزه به چنگ آورد. هرروز شمار بیشتری از کارگران به این حقیقت پی می‌برند که جز با تشدید مبارزه برای تغییر اساسی وضع حاکم و تعیین تکلیف قطعی بانظم موجود هیچ راه دیگری باقی نمانده است. اعتراضات توده‌ای و در رأس آن اعتراضات کارگری در شکل اعتصاب و تجمع بخش قابل‌توجهی از اخبار روزانه شبکه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد. این اعتصابات و تجمع‌ها، عمدتاً با اعتراضات خیابانی همراه است. ده‌ها اعتصاب و تجمع در ده روز اخیر حاکی از رشد و گسترش مبارزات کارگری است. اعتصاب و راهپیمایی کارگران سیمان جوین (جغتای) سبزوار، اعتصاب و تجمع کارگران آب و فاضلاب (ایفا) کهگیلویه و بویراحمد، اعتصاب کارگران لوله‌سازی خوزستان، اعتصاب و تجمع کارگران رسمی نفت در مقابل مجلس، اعتصاب و تجمع کارگران پیمانی و غیررسمی نفت در مقابل مجلس، اعتصاب کارگران و کارکنان شرکتی هواپیمایی هما، اعتصاب و تجمع کارگران شرکت لینی پاژن، اعتصاب و تجمع کارگران سیمان سپاهان، اعتصاب و تجمع کارگران کشت و صنعت میرزا کوچک خان واقع در خرمشهر، اعتصاب و تجمع کارگران دفع آفات شرکت نیشکر هفت‌تپه، اعتصاب و تجمع کارگران و کارکنان مخابرات آذربایجان غربی و زنجان و شیراز، تجمع کارگران شرکت واحد در مقابل شورای شهر تهران، اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری در چندین شهر از جمله، کرمانشاه، لوشان، سراوان، جهرم، فروه، تجمعات مکرر معلمان مدارس غیردولتی در تهران و چند شهر دیگر و اعتصاب و راهپیمایی کارگران معدن آسمینون منو جان که تمام فضای سیاسی جامعه را تحت‌الشعاع خود قرارداد، تنها بخشی از اعتصابات کارگری در ده روز اخیر هستند. نظر به اهمیت اعتراضات چندروزه کارگران معدن آسمینون منوجان در مقابله با عملکرد کارفرمای بخش خصوصی به‌ویژه تشدید فشارها و تحمیل بی‌حقوقی بیشتر بر کارگران از یکسو و زد و بندهای آشکار او با مقامات دولتی از سوی دیگر و نیز ارتقای خواست کارگران معدن در جریان اعتصابات و تجمعات این واحد، این نمونه برجسته از اعتصاب و راهپیمایی خیابانی کارگران را به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تجمع اعتراض‌آمیز کارگران معدن منوجان زمانی آغاز شد که کارفرما و مالک این معدن، پس از چند ماه سرگردانی و بلا تکلیفی کارگران، عدم پرداخت به‌موقع دستمزد کارگران و تشدید فشار بر آن‌ها برای تحمیل قراردادهای یک‌ماهه، اخذ تعهد و سفته از کارگران و واگذاری معدن به چند شرکت پیمانکاری، سرانجام به بهانه ورشکستگی، معدن را تعطیل و کارگران را اخراج کرد. در اعتراض به مجموعه اقدامات کارفرما، به‌ویژه اخراج‌ها، ۱۲۰۰ کارگر معدن کرومیت منوجان، روز ۲۷ اردیبهشت به‌طور یکپارچه دست به تجمع زدند. از آنجاکه هیچ

کارگران معدن آسمنون یک گام به پیش در مقابله با کارفرما و دولت



رو باز کار می‌کنند. در پی این کشمکش‌ها، کارفرما با ادعای ورشکست شدن، معدن را تعطیل و ۱۲۰۰ کارگر را اخراج نموده است. البته این موضوع به هیچ‌وجه بعید نیست که کارفرما عمداً با ایجاد بحران و استفاده ابزاری از کارگران، وارد پروسه امتیاز گیری شده و اخراج کارگران را وسیله سهم‌خواهی از دولت نموده باشد. اما تا جایی که به سود و سرمایه کارفرما مربوط است به گفته کارگران معدن آسمنون، سود و سرمایه کارفرما پیوسته افزایش یافته است. به گفته کارگران این معدن، قیمت فروش کرومیت طی چند سال اخیر بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. اما علی‌رغم این موضوع و افزایش قیمت کرومیت، تغییری در بهبود وضعیت دستمزدها ایجاد نشده و کمترین سهمی از این افزایش نصیب کارگران نگشته بلکه تمام آن نصیب سرمایه‌دار و در نتیجه، افزایش سود و سرمایه وی شده است. به گفته کارگران، روزانه ۲۵ تن کرومیت از این معدن به اسکله رجایی منتقل می‌شود و مالک معدن به خاطر فرار از مالیات با پرداخت گمرک، فقط بخشی از تولید را اطلاع می‌دهد. باین‌جود کارفرمای معدن برای کسب سود بیشتر و برای کسب امتیازات بیشتر از دولت، کارگران را تحت انواع فشارها قرار داده، از انعقاد قرارداد با کارگران امتناع نموده، به کارگر معدن پس از ده سال تجربه و کار سخت در معدن تنها ۳ میلیون مزد می‌دهد که دست‌کم مدت دو ماه همین مزد ناچیز را نیز نپرداخته است.

در قبال اعتراض کارگران معدن آسمنون به وضعیت موجود و حق‌خواهی آنان، تمام مقامات دولتی شهر منوجان و استان کرمان، در حمایت از کارفرما و علیه کارگران وارد میدان شدند. فرماندار شهر اعتراض کارگران را غیرقانونی خواند و از آن‌ها خواست فوراً به تجمع خود پایان دهند و حقوق خود را از طریق دستگاه قضایی و اداره کار دنبال کنند. علی زینی‌وند استاندار کرمان نیز بسیار عصبانی و برآشفته از تجمع کارگران و انسداد جاده ترانزیتی کهنوج - بندرعباس در حمایت از کارفرما وارد معرکه شد. وی کارگران معدن را اخلال‌گر و بستن جاده را "جرم مسلم" خواند. استاندار کرمان که به‌قصد ایجاد دو دستگی، اعتراضات کارگران معدن را به عده‌ای "تحریک‌کننده" منتسب نمود و با لحن تهدیدآمیزی گفت "کسانی که اقدام به بستن جاده کرده‌اند، باید منتظر مجازات سنگین باشند".

اما هیچ‌یک از این تهدیدها و عربده‌جویی‌ها کارساز نیفتاد. کارگران معدن متحد و یکپارچه بر سر خواست‌های خود ایستادند. تفاوت آغاز اعتراض و پایان آن این شد که خواست خلعید از علی‌محمدی که از سرمایه‌داران بزرگ و بی‌رحم و همدست سپاه پاسداران است، به خواست‌های کارگران افزوده شد. در اثر اتحاد و پیگیری و سازش‌ناپذیری کارگران معدن آسمنون سرانجام در پایان چهارمین روز اعتراض، در نشستی با حضور کارفرما و کارگران فهرستی با ۱۸ بند تنظیم شد که بسیاری از خواست‌های کارگران در آن قرار دارد و ظاهراً موردپذیرش کارفرما نیز قرار گرفته است. در این لیست یا متن توافق

از صفحه ۶

کرونا و مطالبه‌ی به حق واکسیناسیون رایگان و همگانی

اکنون که با انتقادات عمومی مواجه شده است، از اجرای اینگونه اقدامات جنایکارانه به عنوان "افتخارات" خود نیز یاد می‌کند.

در وضعیت نابسامان کنونی و در شرایطی که پاندمی کرونا همچنان بیدار می‌کند، آنچه هم اینک به عنوان یک نیاز عاجل و یک مطالبه فوری مردم در جامعه جاری ست، همانا اجرای واکسیناسیون فوری و رایگان و همگانی است. با اینکه امر واکسیناسیون فوری به عنوان یک خواست عمومی در جامعه مطرح است و به رغم اینکه اغلب دولت‌ها با اقداماتی عاجل واکسیناسیون رایگان و همگانی را برای شهروندان خود پیش برده اند، دولت جمهوری اسلامی اما با همان سیاست دروغ و پنهانکاری همیشگی خود در امر واکسیناسیون عمومی تعلل کرده است. تعلل و بی توجهی دولت در اجرای واکسیناسیون رایگان و عمومی تا بدان حد است که اکنون علاوه بر اعتراض عمومی، صدای اعتراض رسانه‌های طرفدار کابینه حسن روحانی نیز بلند شده است.

اگرچه اعتراض همزمان این تعداد از روزنامه "اصلاح طلب" طرفدار دولت در باره اجرای لاکشیتی واکسیناسیون کرونا، پیش از آنکه اعلام همدردی با توده‌های مردم ایران باشد، می‌تواند مانوری برای جلب نظر مردم به سوی نمایش انتخاباتی ۲۸ خرداد تلقی گردد، اما نفس این اقدام نشانگر جدی بودن مطالبه فوری واکسیناسیون رایگان و همگانی و مطمئن در متن جامعه است. مطالبه‌ای برای کارگران و عموم توده‌های مردم ایران که اکنون در فضای خیمه شب بازی‌های انتخاباتی موجود، بهترین زمان ممکن برای طرح و درخواست عمومی آن در کف خیابان‌هاست.

از صفحه ۵

دریغ از ذره‌ای شرم در ادعاهای روحانی

استمرار و گسترش اعتصابات، تجمعات، تظاهرات و اعتراضات جلوه می‌یابد؛ خمشی که به رغم تهدیدها، جسورانه و آشکارا از عدم شرکت در نمایش انتخاباتی رژیم سخن می‌گوید. هراس از این خشم است که روحانی را وامی‌دارد برای توجیه تحریم انتخابات از سوی مردم، به دستاویزهایی چون کرونا و ترجیح "منافع حزبی، جناحی و قبیله‌ای" به "منافع ملی" و "خیانت" جناح رقیب متوسل شود. جناح رقیب و سایر باندها را وامی‌دارد انگشت اتهام به سوی یکدیگر نشانه روند. لزوم تغییر قانون اساسی را یادآور شوند؛ آشفته‌گی، بی‌برنامه‌گی، تشننت و بی‌لیاقتی ذاتی این رژیم را در تمام اقدامات تشدید بخشند. تاکنون تحریم انتخابات، رژیم را از توسل به "اصلاح‌طلبان" برای بازی "انتخاب بین بد و بدتر" بی‌نیاز کرده است. دیری نخواهد گذشت که رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات و به هم پیوستگی آن‌ها همراه با برجسته‌گشتن خصلت سیاسی آن‌ها، توده‌ها را از تحمل رژیم جنایت و جهل و فساد بی‌نیاز خواهد کرد.

مقرر شده قراردادهای در اسرع وقت، به‌صورت یک‌ساله و طبق روال گذشته با شرکت معادن فاریاب منعقد شود. طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا شود. وضعیت بیمه کارگران حل‌وفصل و سرویس‌های ایاب‌وهاب راه‌اندازی شود. به افرادی که نقص عضو شده‌اند تا سقف ۵۰ میلیون بیمه تکمیلی و در صورت نیاز ۵۰ میلیون تومان کارت طلایی پرداخت گردد. این دستاورد‌ها، حاصل چهار شبانه‌روز اعتراض و مبارزه متحد و یکپارچه کارگران است که گامی به پیش محسوب می‌شوند. علی‌رغم پذیرش برخی از خواست‌های کارگران اما در این لیست بندهایی نیز گنجانده شده مانند ایجاد کمیته انضباط، ایجاد حراست و پایگاه بسیج در معدن که مطلقاً به زیان کارگران و برای اعمال کنترل پلیسی و سرکوب کارگران است. این‌ها بدترین موارد و بزرگترین نقاط ضعف توافق مربوطه است. نکته بسیار مهم اما این است که کارگران معدن آسمنون، اتحاد خود را حفظ و هوشیاری خویش را دوچندان کنند و به یاد داشته باشند که سرمایه‌داران و حامیان دولتی آن‌ها، هنگام اعتصاب و اعتراض متحد و یکپارچه کارگران، مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند و برای پایان دادن به اعتصاب و اعتراض، برخی خواست‌های کارگران را نیز می‌پذیرند. اما زمانی که اعتصاب و اعتراض پایان گرفت و همین‌که آب‌ها از آسیاب افتاد، در اولین فرصت وعده‌ها و توافقات خود را زیر پا می‌گذارند و حتی دست به اخراج کارگرانی می‌زنند که پیشگام و پیشقدم اعتصاب و اعتراض بوده‌اند. در لیست موردتوافق متأسفانه جای خواست بازگشت به کار ۱۶ کارگری که در جریان اعتصابات و اعتراضات قبلی از کار اخراج شدند خالی است. کارگران معدن آسمنون باید هوشیار و متحد باشند و اجازه ندهند کارفرما رفقای آن‌ها را اخراج کند. هیچ کارگری نباید اخراج شود. تأسف عمیق دیگر اینکه طی چهار روز مبارزه نفسگیر کارگران معدن، بازم جای حمایت تشکل‌های مستقل کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری از این مبارزات خالی بود. کارگران معدن آسمنون منوجان در اولین فرصت باید دست‌به‌کار شوند و تشکل مستقل خود را سازمان دهند. کارگران آگاه و پیشرو معدن آسمنون به هر طریق ممکن، از جمله با استفاده از شبکه‌های مجازی، بایستی در زمینه مبارزات، خواست‌ها و چگونگی برخورد کارفرما و تحولات معدن اطلاع‌رسانی کنند و کارگران معدن را برای برداشتن گام‌های دیگری به‌پیش همواره درحال آماده‌باش نگاهدارند.

دریغ از ذره‌ای شرم در ادعاهای روحانی

روحانی، بلکه بقایای توهمنات به کلیت رژیم و "اصلاح‌پذیری" آن را نیز چون برفی در تابستانی داغ آب کرد و به فاضلاب تاریخ سپرد. سخنان وی در روزهای اخیر نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

وی در سخنرانی خود در جلسه هیئت دولت به تاریخ ۲۹ اردیبهشت، درباره مذاکرات برای بازگشت به برجام، گفت: "واقعا عجیب است زمانی که می‌خواهیم تحریم را برداریم یک عده مرثیه می‌خوانند و ناراحت می‌شوند." وی در ادامه برای آن که "مرثیه‌خوانان" رسوا شوند، ادامه داد: "والله بالله اگر کسی منافع ملی را کنار گذاشت و به دنبال منافع حزبی، جناحی و قبیله‌ای رفت به مردم خیانت کرده است."

رئیس‌جمهور رژیم اسلامی در حالی از "منافع ملی" سخن می‌گوید که حتی پیش از امضای توافق برجام در سال ۹۴ تا لغو توافق توسط ترامپ در اردیبهشت ۹۷، همراه با چپاولگران پیرامونش کوشیده بودند با اعزام هیئت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به اقصا نقاط جهان و ارائه قراردادهای پرسود و جذاب درهای غارت دسترنج توده‌های مردم را به روی انحصارات بین‌المللی بگشایند و البته برای سهم خود از این غارت نیز دندان تیز کرده بودند. جناح رقیب نیز که در این میان سرش بی‌کلاه مانده بود همچنان به نق زدن و شکوه و شکایت مشغول بود. اما در فاصله نزدیک به دو سال و نیم و به‌رغم وعده‌های فریبنده، نه تنها مردم سهمی از "رشد اقتصادی" و "جلب سرمایه‌گذاری خارجی" نبردند، بلکه شرایط معیشتی آنان روز به روز تنگتر شد تا جایی که در دی ۹۶ سیل‌وار به خیابان‌ها سرازیر شده و خشم و ناراضی‌های خود را از رژیم و سران آن در خیابان‌ها فریاد زدند. رژیم نیز با سبعت همیشگی آنان را سرکوب کرد.

ناگفته نماند، این همان چاله‌ایست که توسط رژیم کنده شده بود. روحانی که اکنون بر سر مردم منت گذاشته و از زحمات خود برای رفع تحریم‌ها سخن می‌گوید، خود سالیان متمادی از اعضای مؤثر هرم قدرتی بوده است که بدون در نظر گرفتن "منافع ملی" و برای پیگیری سیاست‌های توسعه‌طلبانه و مداخله‌جویانه و برنامه‌های نظامی و برنامه هسته‌ای خطرناک باعث و بانی چنین وضعیتی بوده است. هرچند از بهانه "تحریم‌ها" در این مدت استفاده‌ها برده است و وخامت روزافزون وضعیت معیشتی مردم را به آن نسبت داده و خود را از هر مسئولیتی مبری معرفی کرده است؛ گرچه به قول خودشان "سوداگران تحریم" میلیاردها سود انباشته‌اند.

وی در ادامه سخنرانی خود در هیئت دولت، برای بستن دهان رقیب، موافقت خامنه‌ای را گوشزد کرده و می‌گوید، این "موفقیت‌ها" با رهبری و حمایت خامنه‌ای بوده است و افزود: "اصلا مگر می‌شود بدون کمک رهبری به موفقیت رسید. در برجام هم اگر ما موفق شدیم همین گونه بوده و قدم به قدم خدمت آقا رفتیم... و ایشان در مراحل مختلف چه به صورت کتبی و چه شفاهی به ما کمک کردند. تمام دستورات کتبی و شفاهی رهبری مرحله به مرحله هست و

الآن هم راجع به وین هست."

به این ترتیب، وی می‌کوشد هم اقداماتش را به "کمک و موافقت" خامنه‌ای اعتبار بخشد و هم راه انکار خامنه‌ای را ببندد تا مثل گذشته نتواند خود را مبرا از پیامدهای تصمیمات جلوه دهد و تقصیرها را متوجه "مسئولان غیرانقلابی" کند. هرچند خامنه‌ای هم در دروغ‌گویی و جعل و انکار دست کمی از روحانی ندارد.

صد البته این رئیس‌جمهور وقیح، به ذکر موافقت و اطلاع خامنه‌ای اکتفا نمی‌کند و از مردم هم مایه می‌گذارد: "... دولت که چیزی نیست و تنها نماینده مردم است. انهایی هم که به دولت توهین می‌کنند در واقع به ملت توهین می‌کنند؛ چرا که ما هیچ چیزی جز رای و اعتماد مردم نداریم." شگفتا! در برابر این وقاحت چه می‌توان گفت، جز آن که اعتراضات دی ۹۶ و اعتراضات سال ۹۷ را مرور کرد؛ جز آن که از خیزش شکوهمند مردم در آبان ۹۸ یاد کرد؛ جز آن که به تجمعات و اعتراضات روزمره کارگران، بازنشستگان، معلمان، زحمتکشان، زنان، پرستاران، روستاییان، خانواده‌های داغدار جانباختگان و... در گوشه و کنار کشور نگاهی انداخت. وی از کدام "رای و اعتماد" سخن می‌گوید، در حالی که از شعارهای رایج این روزهای پیش از انتخابات نمایشی رژیم "ما دیگه رای نمی‌دهیم، بس که دروغ شنیدیم" است.

او می‌کوشد در کارنامه پرافتخارش رساندن تولید پتروشیمی‌ها از ۵۶ میلیون تن به ۱۰۰ میلیون تن در سال را بگنجد. فردای آن روز، ۳۰ اردیبهشت، نیز در مراسم بهره‌برداری از طرح‌های ملی وزارت نفت، همین ادعا را تکرار می‌کند و می‌گوید این ظرفیت را از ۵۰ میلیون تن به ۱۰۰ میلیون تن رسانده‌ایم. (بگذریم که در عرض یک روز ۶ میلیون تن گم می‌شود!) اما در همان روز، مدیر سرمایه‌گذاری‌های صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس و زنگنه، وزیر نفت، می‌گویند تازه قرار است تا پایان سال ۱۴۰۰ این ظرفیت به ۱۰۰ میلیون تن برسد! از استان‌های مختلف نیز خبرهایی در باره پروژه‌های بلاتکلیف پتروشیمی وجود دارد، مثلا پروژه پتروشیمی فارس که ۱۴ سال است بلاتکلیف است یا طرح‌های نیمه تمام و متوقف وزارت نفت در ایلام. این تنها یک فقره ناچیز از "معجزات" اقتصادی کابینه روحانی است!

وی در سخنان خود در ۳۰ اردیبهشت، می‌گوید: "بند تا چهار ماه پیش ذهنم مشغول بود که چگونه می‌خواهیم مشکل کرونا و تحریم را حل کنیم. ما دو بیل می‌خواستیم که با یک بیل به کمر کرونا بزنیم و یک بیل هم برای شکستن کمر تحریم‌ها لازم داشتیم... ما این دو بیل را پیدا کردیم و به کمر تحریم و کرونا زدیم."

در مورد "بیل تحریم‌ها" همین بس که با وجود عدم انتشار نتایج نهایی مذاکرات، وی مدعی است، "گام اصلی و بزرگ" برداشته شده و "توافق اصلی" انجام شده، اما "جزئیات ریز و موارد جزئی" مانده است. "جزئیاتی" که به نظر مذاکره‌کننده ارشد رژیم، "چند موضوع کلیدی" هستند "که باید حل شود." گذشته از آن، روشن نیست جمهوری اسلامی چه امتیازاتی در این مذاکرات داده و چه به دست آورده است. نتایج

"بیل تحریم‌ها" در آینده‌ای نزدیک روشن خواهد شد، اما سرنوشت "بیل کرونا" از هم اکنون روشن است؛ یعنی از همان آغاز اپیدمی روشن شده بود. این همان "بیلی" است که چندین ماه است، رژیم به کمر مردم کوبیده است: با مخفی‌کاری در اعلام شیوع بیماری، با عدم اتخاذ اقدامات پیشگیرنده به موقع، با عدم تصویب و اجرای پروتکل‌های بهداشتی مصوب جهانی، با شل‌کن و سفت‌کن‌ها بنا به مصلحت‌های مذهبی و سیاسی و اقتصادی، با آمارسازی تقلبی، با بگیروبیند و تهدید و ممانعت از انتشار اخبار واقعی، با ممنوعیت ورود واکسن‌های خارجی، با عدم اقدام در خرید واکسن‌های مؤثر و مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی، با سپردن واردات واکسن به بخش خصوصی فاسد، با روانه شدن بخشی از واکسن‌ها به بازار سیاه، با عدم شفافیت در روند واکسیناسیون و سرعت کند واکسیناسیون در ایران. "بیلی" که بنا به آمار دولتی هم اکنون به قیمت جان بیش از ۷۰ هزار نفر تمام شده است، هرچند بنا به اعتراف خود مقامات باید این رقم را چند برابر کرد.

از دیگر ادعاهای وی در جلسه هیئت دولت، "ما در همین دوران همدان‌سازی حقوق بازنشستگان را انجام دادیم و حداقل حقوق کارگران را ۵ / ۲ برابر کردیم و هم ۶۰ درصد سهام عدالت را در همین دوران کرونا آزاد کردیم و بازار سرمایه را در همین دوران به اوج رساندیم." و "چون دور زدن تحریم یعنی مبارزه با ظلم و خیلی کار خوبی است اما با این وجود که این دور زدن تحریم پیچیده‌تر هم بود هیچ فساد در آن نبود." آیا نیازی به تفسیر این دو ادعا هست؟ روحانی می‌کوشد این ادعاها و دروغ‌های شاخدار را در کارنامه خود بگنجد، اما تجمعات "یکشنبه‌های اعتراضی" بازنشستگان، اعتراضات کارگری به "حداقل حقوق"، اعتراضات مال‌باختگان بازار "بورس" را نادیده می‌گیرد؛ وقاحت رئیس‌جمهور رژیم جمهوری اسلامی در مباحثات به کارنامه‌اش در حدی است که افشای تقریبا روزانه پرونده‌های فساد در تمامی اقدامات دولت و حاکمیت، رشد چند ده برابری نرخ تورم، افزایش نرخ بیکاری، گزارش‌های حقوق بشری در مورد بگیروبیندها، زندان‌های طولانی مدت، اعدام‌ها، نقض حقوق زنان، نقض حقوق اقلیت‌های ملی و دینی، کشتار کولبران و سوخت‌بران، گسترش پدیده‌های اعتیاد، فحشا، بی‌خانمانی، قتل و خشونت و دزدی، خودکشی، کودکان بازمانده از تحصیل، تخریب محیط زیست، استمرار مشکلات سیل‌زندانان و زلزله‌زدگان، کم‌آبی ناشی از بی‌کفایتی در اداره منابع آبی، قطع برق، سانسور، و غصب زمین‌ها و املاک مردم توسط نهادهای مذهبی، و ده‌ها ناهنجاری دیگر در جامعه، یعنی واقعیت‌های موجود مسکوت می‌مانند. دریغ از ذره‌ای شرم در طرح چنین ادعاهای کذبی در برابر چنین واقعیت‌های تاریک و جنایت‌باری. چنین کارنامه‌ای نه تنها جای مباحثات ندارد، بلکه باید در دادگاه‌های مردمی به قضاوت گذاشته شود، و نه تنها کارنامه روحانی بلکه تمام سران رژیم.

اشاره به یک نکته در پایان، اما، ضروری است. آن نیز، هراسی است که تمام سران رژیم را فراگرفته است. هراس از پایان دوران حاکمیت رژیم. هراس از انفجار خشم مردم. خشمی که در

کرونا و مطالبه‌ی به حق واکسیناسیون رایگان و همگانی

اما اجرای واکسیناسیون رایگان و همگانی، به صورت لاکپشتی و قطره چکانی پیش می‌رود. با گذشت ۴ ماه از شروع واکسیناسیون، از جمعیت ۸۴ میلیون نفری ایران فقط ۲ میلیون و ۲۷۰ هزار دُز واکسن به گروه‌های دارای الویت تزریق شده و سامانه ثبت نام واکسیناسیون کرونا (سامانه سلامت) نیز از روز شنبه اول خرداد برای سالمندان ۷۰ سال به بالا در دسترس قرار گرفته است.

تعداد مرگ و میر بالای روزانه، روند لاکپشتی تزریق واکسیناسیون کرونا، بی‌توجهی دولت در شتاب بخشیدن به امر واکسیناسیون رایگان و همگانی، رانت خواری وزارت بهداشت در تهیه و توزیع واکسیناسیون و ریشه دواندن بی‌تدبیری و فساد در وزارتخانه‌ای که مسئول جان و تامین سلامت توده‌های مردم ایران است، جملگی چشم انداز بازگشت سلامت کامل به جامعه و پایان دادن به این حجم از ابتلا و کشتارهای روزانه کووید ۱۹ را دست کم تا پایان سال ۱۴۰۰، برای مردم ایران ناممکن کرده است.

آمارها، حتی آمارهای دروغین وزارت بهداشت نیز کماکان از جان باختن صدها نفر در روز خبر می‌دهند. طبق آخرین گزارش رسمی دولت که در ۲۴ ساعت منتهی به روز یکشنبه دوم خرداد ۱۴۰۰ منتشر شد، ۲۱۶ نفر طی این روز جان باخته‌اند و هشت هزار و ۶۳۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ نیز شناسایی شدند. در حالی که تعداد جان باختگان برای روز جمعه ۳۱ اردیبهشت، ۲۰۰ نفر و برای روز شنبه اول خرداد، ۱۸۷ نفر اعلام شده بود. به این ترتیب با اضافه شدن ۲۱۶ نفر دیگر از توده‌های مردم ایران که در ۲۴ ساعت گذشته جان باختند، تا روز یکشنبه دوم خرداد ۱۴۰۰، کل آمار رسمی جان باختگان این بیماری به ۷۸ هزار و ۵۹۷ نفر رسیده است.

در مورد رنگ بندی شهرها نیز، هشت شهرستان در وضعیت قرمز، ۲۳۳ شهرستان در وضعیت نارنجی، ۲۰۷ شهرستان در وضعیت زرد قرار دارند و هیچ شهری در وضعیت کرونایی آبی نیست. شهرستان‌های عسولویه و کنگان (استان بوشهر)، چابهار (سیستان و بلوچستان)، بندر عباس، پارسیان، جاسک، رودان و میناب (هرمزگان) از جمله شهرهایی هستند که در وضعیت قرمز قرار دارند. در گزارش روز جمعه ۳۱ اردیبهشت اما فقط سه شهر در وضعیت قرمز اعلام شده بودند.

پوشیده نیست، آمارهای فوق و روند صعود و نزول روزانه آن تماماً جعلی بوده و میزان واقعی تعداد جانباختگان و مبتلایان کرونا در ایران بسیار بالاتر از جلیلیات دولت جمهوری اسلامی است. سازمان بهداشت جهانی، مجلس ارتجاع، شورای شهر تهران، تعدادی از مسئولان وزارت بهداشت نظیر ایرج حریرچی، مدیر کل وزارت بهداشت، و سازمان نظام پزشکی کشور از جمله مراجعی هستند که تعداد واقعی مبتلایان و جانباختگان کووید ۱۹ در ایران را دست کم تا سه برابر آمارهای دولتی اعلام کرده‌اند. اگرچه پنهان کاری و آمارسازی‌های جعلی و

عامدانه دولت در کاهش جان باختگان و مبتلایان ویروس کرونا، بخشی از سیاست کلی جمهوری اسلامی در تمامی دوران پاندمی کووید ۱۹ بوده است، اما پیشبرد این سیاست در شرایط کنونی شتاب گرفته و چه بسا در روزهای آتی با نزدیک شدن به نمایش انتخاباتی ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، شتاب بیشتری هم بگیرد.

با این همه و به رغم اینکه این روزها دولت جمهوری اسلامی با اهداف معین سیاسی در اقدامی عامدانه به کاهش آمار کشته شدگان و مبتلایان روزانه کرونا و حتی کاهش سریع تعداد شهرهای قرمز روی آورده است، پزشکان و اپلیکیشن ماسک وزارت بهداشت اما، شرایط پاندمی کرونا در ایران را همچنان خطرناک اعلام کرده‌اند. اپلیکیشن ماسک وزارت بهداشت در روزهای گذشته در باره احتمال وقوع موج پنجم کرونا در کشور با ویروس‌های جهش یافته هندی و آفریقای جنوبی هشدار داده است. پزشکان نیز، با مشاهده این ویروس جهش یافته در بندرعباس و چند شهر جنوبی کشور، وضعیت کنونی پاندمی کووید ۱۹ را بسیار خطرناکتر از گزارش‌های رسمی دولت بویژه یابوه سرایی‌های حسن روحانی اعلام کرده‌اند.

در چنین وضعیتی مرگبار، دولت جمهوری اسلامی و به طور اخص شخص حسن روحانی چشمان خود را به روی همه واقعیات مرگبار پاندمی کرونا بسته‌اند و همچنان با سهل‌انگاری و بی‌توجهی نسبت به امر واکسیناسیون فوری، رایگان و همگانی وقت‌گزانی می‌کنند. این بی‌توجهی عامدانه دولت آنچنان آشکار است که حتی تعدادی از رسانه‌های طرفدار کابینه حسن روحانی نیز در اقدامی مشترک نسبت به این بی‌توجهی دولت هشدار دادند.

هشت روزنامه "اصلاح طلب" طرفدار دولت، در سرمقاله مشترکی که روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ منتشر کردند، روند کنونی واکسیناسیون عمومی، دولت را به باد انتقاد گرفته و خواستار شتاب در این زمینه شدند. روزنامه‌های جمهوری اسلامی، شرق، اطلاعات، اعتماد، ندای اقتصاد، سازندگی، هفت صبح و همشهری از جمله روزنامه‌هایی هستند که شرایط ناشی از اپیدمی ویروس کرونا در ایران را بحرانی خوانده و هشدار دادند که چشم انداز روشنی در امر واکسیناسیون عمومی به چشم نمی‌خورد.

این روزنامه‌ها با اشاره به "اخبار و اطلاع رسانی متناقض" دولت در مورد تهیه واکسن کرونا و همچنین دادن مجوز واردات واکسن به بخش خصوصی، آن را نشانه "تشتت در نظام تصمیم‌گیری" کشور دانسته و اعلام کرده‌اند "تعطل نهادهای مجری، این نگرانی را به وجود آورده است که میباید اراده و تصمیم واحدی در این زمینه وجود نداشته باشد".

برای نمونه سخنان روحانی در مورد شکستن کمر کرونا با "بیل"، ادعای وزارت بهداشت مبنی بر اجرای واکسیناسیون "۱۴ میلیون نفر" تا پایان خرداد، جعل آمار کشته شدگان ویروس کرونا، کاهش عامدانه تعداد شهرهای قرمز، تعلل

در واکسیناسیون عمومی و دیگر تناقضات موجود در سخنان مسئولان بهداشتی، هم اینک شرایطی را در جامعه بوجود آورده است که تمام روزنه‌های اعتماد مردم نسبت به نظام و کابینه روحانی در باره ادعاهای آنان جهت مقابله با کرونا را از بین برده است.

ادعای وزارت بهداشت در مورد اجرای واکسیناسیون "۱۴ میلیون نفر" تا پایان خرداد، حرف مفتی بیش نیست. این ادعای وزارت بهداشت در شرایطی مطرح شده است که طبق اعلام نظر سازمان غذا و دارو تا روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت، فقط ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار دُز واکسن کرونا وارد کشور شده است، که این میزان نیز تنها جوابگوی ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور است. مجموع واکسن‌های تزریق شده نیز تا کنون حدود ۲ میلیون و ۲۷۰ هزار دُز است که آن هم به گروه‌های دارای الویت تزریق شده است.

در واقع، بر پایه همین "اخبار و اطلاع رسانی متناقض" و دروغین دولت است که اکنون علاوه بر توده‌های مردم ایران، صدای اعتراض روزنامه‌های طرفدار دولت نیز بلند شده است.

واقعیت این است که موضوع پاندمی کووید ۱۹ و گسترش مرگ و میر ناشی از آن، از مدت‌ها پیش به عنوان سیاست دولت جهت کشتار جمعی مردم ایران در ذهنیت جامعه جای گرفته است.

کشتاری عامدانه که از همان بدو ورود ویروس کرونا به ایران، با پنهان کاری، دروغ‌بافی، جعل آمار مبتلایان و کشته شدگان ناشی از این ویروس جهت پیشبرد سیاست "ایمنی گله‌ای" یا همان کشتار جمعی مردم سازماندهی شد و تا به امروز هم ادامه دارد.

بر اساس پیشبرد همین سیاست "ایمنی سازی گله‌ای" بود که دولت در تمام ۱۵ ماه گذشته، بجز اعلام پروتکل‌های بهداشتی، آنهم نه پروتکل‌های بهداشتی سازمان بهداشت جهانی، بلکه پروتکل‌های نیم بند وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، هرگز هزینه‌ای برای مهار اپیدمی کرونا در ایران متقبل نشد. از همان ابتدای شیوع کووید ۱۹ در ایران، نه شهرهای قرمز و پرخطر قرنطینه شدند، نه کارخانه‌ها و ادارات دولتی تعطیل شدند، نه راه ورود به متروها بسته شد، نه پولی به کارگرانی که بر اثر شیوع کرونا بیکار شدند و نه کمترین هزینه‌ای به دستفروشان و کارگران روزمزدی که مجبور به خانه نشینی شده بودند، پرداخت شد. دولت و وزارت بهداشت فقط با توصیه‌های غیرعملی خود از مردم می‌خواستند در خانه بمانند، بی‌آنکه برای معاش و دارو درمان آنان در روزهای خانه نشینی پولی هزینه کنند.

پس از گذشت یک سال از شیوع پاندمی کرونا، نوبت به واکسیناسیون هم که رسیده، ابتدا واردات معتبرترین واکسن‌های مورد تایید سازمان بهداشت جهانی توسط خامنه‌ای ممنوع و یک روز بعد هم با دستور سعید نمکی، وزیر بهداشت جمهوری اسلامی اجرایی شد. وزیر بهداشت فاسد و رانت خواری که هر فرصتی که پیش آمد پروتکل‌های بهداشتی وزارتخانه خود را نیز به هیچ گرفت و در پرخطرترین دوران پاندمی کرونا، از سیاست‌های ویرانگر خامنه‌ای پیروی کرد و راه برگزاری انواع مراسم مذهبی را در ایام محرم، فاطمیه و شب‌های قدر باز گذاشت و

اعتصاب عمومی علیه رفرماسیون نئولیبرالی در کلمبیا

شرکت صدها هزار نفر در اعتصاب روز ۲۵
آوریل ۲۰۱۹

"جهت واکنش به خشونت مداوم و اتهامات تبهکارانه علیه نیروهای چپ و اپوزیسیون، بیش از ۱۸۰ سازمان فراخوان به اعتصاب عمومی سراسری در روز ۲۵ آوریل دادند. احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، بومیان، دهقانان خرده پا و سازمان‌های افرو-کلمبیایی، و نیز دانشجویان، خیابان‌ها، میدانی و دانشگاه‌ها را به اشغال خود درآورده‌اند، تا خواسته‌های خود را مطرح کنند. یکی از خواسته‌های اصلی رعایت قرارداد صلح و اتخاذ اقدامات ضروری برای محافظت از فعالین اجتماعی و اپوزیسیون می‌باشد.

از زمان آغاز ریاست جمهوری دوکه در ماه اوت ۲۰۱۸، وی سعی در تغییر توافقنامه صلح داشت. (...). پروژه بزرگ دیگر دوران تصدی دوکه، برنامه توسعه ملی، از آن زمان بلوکه شده است. اعتصاب عمومی اولین جنبش بزرگ اعتصابی کلمبیا در سه سال گذشته می‌باشد. مواد توافقنامه سال ۲۰۱۶، که طی مبارزات با دولت قبلی به دست آمده بود، هنوز طبق اطلاعات سازمان‌های اجتماعی اجرا نشده‌اند. طرح توسعه ملی که توسط رئیس جمهور دوکه طرح می‌شود، سبب بندر شدن شرایط زندگی بخش‌های پایین جامعه می‌گردد. "نقل از عقب‌نشینی در روند صلح و اعتصاب سراسری در کلمبیا منتشر شده در America21 مورخ ۲۶ آوریل ۲۰۱۹).

در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۹ در مقاله‌ای در نشریه Junge Welt در مورد اعتصاب این گزارش درج شده بود: "صدها هزار نفر در اعتصاب عمومی سراسری روز پنجشنبه در کلمبیا شرکت کردند. اتحادیه‌های CUT, CTC و CGT و تعدادی از سازمان‌های سیاسی و اجتماعی به آن پیوستند. این اولین اعتصاب عمومی دوران ریاست جمهوری ایوان دوکه با تظاهرات بیشمار همراه بود.

یکی از خواسته‌های اصلی انجام تعهدات دولت کلمبیا در چارچوب قرارداد صلح با چریک‌های سابق فارک بود. علاوه بر این تظاهرکنندگان با "طرح توسعه ملی" دولت مخالفت کردند. به اعتقاد اتحادیه‌های کارگران این طرح حقوق کارگران را محدود می‌کند و سبب افزایش فقر می‌شود.

روز جمعه، برگزارکنندگان ارزیابی مثبتی از روز آکسیون خود ارائه کردند. چند صد هزار کلمبیایی در خیابان‌های سراسر کشور حضور داشتند. به گفته نلسون آلارکون رهبر اتحادیه معلمان Fecode، حداقل ۲۸۰ هزار آموزگار در اعتصاب عمومی در سراسر کشور شرکت کرده بودند.

در مناطق مختلف روستایی، که سازمان‌های کشاورزان، جنبش‌های بومیان و افرو-کلمبیایی‌ها فعال هستند، معترضان اقدام به مسنود کردن جاده‌ها نمودند. از طرف دیگر چندین سازمان اعلام کردند که پنجشنبه تنها اولین روز اعتراض بوده است.

- نوشته فوق بر اساس مطالب منتشر شده در سایت‌های زیر تهیه شده است.

LabourNet
Amerika21

رسیده‌اند. مذاکرات کمیته ملی اعتصاب با دولت کلمبیا بی‌نتیجه مانده است. دولت دوکه خواسته‌های اعتصاب کنندگان را رد کرد و دستور تشدید اقدامات پلیس در سرکوب اعتراضات را صادر نمود.

کمیته اعتصاب روز یکشنبه سندی با ۱۹ خواست مشخص در اختیار دولت قرار داده بود. کمیته اعتصاب موضع دولت در زمینه تشدید سرکوب اعتراضات را اعلام جنگ تلقی می‌کند.

شورش توده‌های کارگر و زحمتکش در کلمبیا از آوریل ۲۰۱۹

اعتراضات توده‌ای علیه سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت ایوان دوکه (Ivan Duque) از اوایل ماه مارس ۲۰۱۹ وارد مرحله جدیدی شد. نمایندگان بیش از ۱۷۰ سازمان اجتماعی، سیاسی و نیز سندیکاهای کارگری شروع یک اعتصاب عمومی را در تاریخ ۲۵ آوریل همان سال اعلام کردند.

سازمان‌های یادشده در برگیرنده جنبش‌های دانشجویی، اقلیت‌های قومی، زنان، حقوق بشر، کارگران، دهقانان، سندیکاهای مختلف، معلمان و فعالین محیط زیست می‌باشد.

در بیانیه سیاسی این اتحاد تاکید شده است که تعیین‌کننده برای فراخوان اعتصاب قبل از همه قتل‌های سیستماتیک فعالین اجتماعی و حقوق بشر، عدم رعایت قرارداد صلح با Farc، قطع مذاکرات صلح با ELN (ارتش چریکی رهایی بخش ملی) و نیز ارائه توسعه ملی توسط دولت دوکه می‌باشد.

این طرح سبب افزایش و تعمیق نابرابری در کشور می‌شود. سازماندهندگان اعتصاب از اعتصابی با ماهیت سیاسی صحبت می‌کنند. چرا که مضمون آن اعتراض و مخالفت با سیاست‌های دولت در زمینه انرژی، اقتصاد، ارتش و سیاست اجتماعی می‌باشد. هدف دفاع از زندگی، صلح، دموکراسی، محیط زیست و همه حقوق مردم کلمبیا می‌باشد. سازماندهندگان اعتصاب قصد دارند متحدانه در جهت ایجاد یک "جنبه خلق دموکراتیک و گسترده" تلاش کنند.

طرح فراخوان به اعتصاب و آکسیون‌های دیگر در روند یک نشست ملی سازمان‌های سیاسی و اجتماعی در ۹ و ۱۰ فوریه ۲۰۱۹ در دانشگاه خودمختار کلمبیا در بوگوتا تهیه شد. در این نشست ۳۸۰ نماینده از ۱۷۰ سازمان اجتماعی و سیاسی حضور داشتند به قصد "پیشروی به سوی وحدت و بطور متحد برای اتوبی تاریخ دیگری برای خلق‌ها مبارزه کنیم".

از طرف اتحادیه‌های کارگری، رهبری CUT اتحادیه فراگیر (Central Unitaria de Trabajadores) کلمبیا حاضر بود که از اعتصاب پشتیبانی کرد.

برای دوران پسا اعتصاب نیز اعتراضات و آکسیون‌های متعددی در نظر گرفته شده است.

زندگی و علیه کشتارها، برای صلح. با تاکید بر درخواست از دولت برای تحقق معاهده صلح و خودداری از اقدام علیه آن. طبیعی است که ما طلب می‌کنیم، که دولت از تلاش برای از بین بردن دموکراسی که محدود شده است، خودداری کند."

از این فراخوان کمیته ملی اعتصاب به جز بزرگترین اتحادیه‌های کارگری کشور، اتحادیه سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، "کنگره خلق‌ها" (Congreso de Los Pueblos)، دانشجویان، سازمان‌های دهقانان خرد، احزاب اپوزیسیون و همچنین انجمن‌های فمینیست و بومیان، نیز پشتیبانی کردند.

علت این اعتراضات قبل از همه برنامه رفرم‌های مالیاتی در خدمت ثروتمندان کلمبیایی بود. مالیات بر ارزش افزوده قرار است طبق این طرح از شش درصد به نوزده درصد افزایش یابد. این مالیات غیر مستقیم بر کالاهای مصرفی روزمره، بر توده‌های کارگر و زحمتکش با دستمزد ناچیز، تاثیر مخربی خواهد داشت. به عنوان نمونه بهای تخم مرغ، شکر و دیگر مواد اساسی تخنیه به شدت افزایش می‌یابد.

نتش‌های اجتماعی موجود حاصل از شکاف عظیم طبقاتی و سطح بسیار بالای فقر در این کشور می‌باشد، که در دوران پاندمی کرونا بیش از پیش تشدید شده است. تنها در طی سال گذشته - در دوران تشدید بحران به دلیل پاندمی کرونا- ۳ / ۶ میلیون نفر در فقر مطلق بسر برده‌اند. در مقایسه با قبل ما شاهد افزایش نرخ فقر از ۷ / ۳۵ درصد به ۵ / ۴۲ درصد می‌باشیم.

۷۰ درصد کارگران کلمبیایی در بخش غیر رسمی اشتغال دارند. بسیاری از آنان در نتیجه بحران موجود بیکار شده‌اند و مجبورند بدون هیچ گونه عایدی برای زنده ماندن بجنگند. در سایر بخش‌ها و شرکت‌ها نیز هزاران کارگر در پی اخراج، بیکار شده‌اند.

این در حالیست که تنها ۲۳۰۰ مالک بزرگ بیش از نیمی از زمین‌های قابل کشت کشور را در تصرف خود دارند. این واقعیت میراث استعمار و سلطه امپریالیسم است. عایدی حاصل از صادرات مواد خام، به نفع شرکت‌های خصوصی تمام می‌شود، که اغلب متعلق به کشورهای امپریالیستی به ویژه ایالات متحده آمریکا هستند که روابط حسنه‌ای با دولت کلمبیا دارد و نیروهای نظامی آن را تعلیم می‌دهد.

با آگاهی به این واقعیت ابراز نگرانی جو بایدن از اوضاع کلمبیا ریاکارانه به نظر می‌رسد. ایالات متحده در سیاست‌های نظامی‌گری و سرکوبگرانه دولت کلمبیا نقش عمده‌ای به عهده دارد. در دوران "مبارزه با مواد مخدر" روند نظامی‌سازی کلمبیا با حمایت آمریکا بیش از پیش تحقق یافت. حتی بعد از صلح با چریک‌های فارک Farc، که سابقه طولانی در مبارزه با رژیم حاکم داشتند، دولت، نیروهای امنیتی و واحدهای شبه نظامی به خشونت پایان داده‌اند. تنها از آن زمان، یعنی سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۹۷۱ فعال اجتماعی، فعالین محیط زیست، اعضای اتحادیه‌ها، نمایندگان انجمن‌های محلی، بومیان و نمایندگان جنبش‌های مختلف به قتل



واقعیت تحریم "انتخابات" را به تحریم فعال تبدیل کنیم

کمتر از یک ماه تا ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ باقی مانده است. روزی که قرار است دوازدهمین دوره نمایش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. مضحکه ای که هر چهار سال یک بار تکرار می شود و هرگز هم کمترین ثمری برای بهبودی شرایط زندگی کارگران و عموم توده های مردم ایران نداشته و نخواهد داشت. با این همه، آنچه نمایش انتخاباتی این دوره را نسبت به دوره های پیشین متمایز کرده است، همانا بی رونقی، رویگردانی و امتناع کلیت جامعه از حضور در پای صندوق های رای است.

از سکه افتادن مضحکه انتخاباتی و رویگردانی اکثریت مطلق توده های مردم ایران از نمایش انتخاباتی پیش رو، آنچنان آشکار است که علاوه بر رسانه های حکومتی، همه مسئولان جمهوری اسلامی نیز به آن اذعان دارند. نظرسنجی های دولتی و غیر دولتی، در بهترین حالت از حضور ۳۰ درصدی واجدان شرایط در این نمایش انتخاباتی خبر می دهند.

صف آرابی شگفت انگیز لایه های مختلف توده های مردم ایران در مقابل مضحکه انتخاباتی رژیم، البته نه اقدامی فی البداهه، آنی و لحظه ای، که تصمیمی از پیش گرفته شده است. این تصمیم انقلابی توده های مردم ایران متأثر از شرایط عینی و انقلابی حاکم بر جامعه است. شرایط نوینی که با خیزش سلحشورانه توده های مردم ایران در دیماه ۹۶ شکل گرفت، در قیام شکوهمند آبان ۹۸، اعتلای بیشتری یافت و پس از آن نیز به رغم شیوع پاندمی کرونا که منجر به افت و خیزهایی در عروج مبارزاتی کارگران و توده های مردم ایران شد، همچنان به اشکال مختلف چه با اعتصاب در محیط کار، چه با حضور اعتراضی در کف خیابان ها و چه با تجمعات اعتراضی در مقابل ادارات دولتی تداوم یافته و این امر نشان می دهد که پرچم خونین مبارزات توده های مردم ایران پس از آبان ۹۸ بر زمین نیفتاده است. در واقع، زمینه های تحریم گسترده نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی توسط اکثریت توده های مردم ایران، نه در روزهای کنونی، که از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ عینیت یافت. از همان زمانی که توده های جان به لب رسیده مردم ایران با اعتراضات پرشکوه خیابانی خود در ۲۸ استان و بیش از ۱۰۰ شهر ایران با سردادن شعارهایی نظیر "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، "اصلاحات رفراندم، رمز فریب مردم"، "اونکه میگه رفراندم، دروغ میگه به مردم"، "نه رفراندم نه اصلاح، اعتصاب انقلاب"، "چه دی باشه چه آبان، پیام یکی ست انقلاب"، یکسره بر مضحکه های انتخاباتی رژیم خط بطلان کشیدند. نه تنها بر خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم خط بطلان کشیدند، که در گستره ای به وسعت ایران سرنگونی جمهوری اسلامی را فریاد زدند. فریادی که پس از آن هرگز خاموش نشد و تا به امروز به اشکال مختلف در کارخانه و خیابان و معدن و دانشگاه و مدرسه تداوم یافته است.

مبارزات خیابانی یکشنبه های بازنشستگان تامین اجتماعی، همراه با شعار "از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی دیم"، نمونه روشنی از پژواک تحریم "انتخابات" در کف خیابان های ایران است. همدلی و هم آوایی شکوهمند مادران خاوران، مادران ۸۸، مادران دیماه ۹۶، مادران روزهای خونبار آبان ۹۸، مادران داغدار جانبختگان هوایی اوکراینی و همه مادرانی که طی ۴۲ سال گذشته فرزندان شان در زندان ها و در خیابان ها کشتار شده اند، نمونه دیگری از انعکاس تحریم "انتخابات" است. واکنش عمومی کاربران شبکه های اجتماعی با هشتک "رای بی رای"، گستره دیگری از کمپین تحریم انتخاباتی رژیم در ۲۸ خرداد است. تحریمی عمومی که با گذشت هر روز پژواک بیشتری می باید. تحریمی همگانی که شعار آن از دل قیام خونین آبان ۹۸ در متن جامعه پمپاژ شد و اکنون با نزدیک شدن به ۲۸ خرداد به صورت علنی و در گستره ای وسیع طنین انداز است. صدای تحریم نمایش انتخاباتی، آنچنان در متن جامعه طنین انداز است، که هیئت حاکمه ایران و نهادهای امنیتی رژیم نیز واقعیت تحریم را پذیرفته اند. سخنان عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، مبنی بر اینکه: "مشارکت پایین مردم هیچ مشکلی برای مشروعیت انتخابات ایجاد نمی کند"، در واقع پذیرش تحریم "انتخابات" توسط رژیم است. با این همه و به رغم تصمیم عمومی توده های مردم ایران مبنی بر تحریم "انتخابات"، آنچه اکنون موجب نگرانی هیئت حاکمه و نیروهای امنیتی رژیم شده است، نه تحریم صرف "انتخابات"، که تحریم فعال نمایش انتخاباتی است.

ورود تهدید آمیز دستگاه قضایی به صحنه "انتخاباتی"، آمادگی ۲۶۰ هزار نیروی نظامی برای "تامین امنیت انتخابات" و سخنان معاون امنیتی وزارت کشور مبنی بر اینکه "یگان های واکنش سریع" برای برخورد با "تهدیدهای احتمالی" تشکیل شده و با هرگونه اخلاف در امنیت و نظام انتخابات "قاطعانه برخورد خواهد شد"، جملگی بیانگر وحشت طبقه حاکم از تحریم فعال "انتخابات" است.

روشن است، در دوران انقلابی حاکم بر جامعه، در وضعیتی که فقر و بیکاری، تورم و گرانی، و مرگ و میر ناشی از پاندمی کرونا بر گلو مردم چنگ انداخته است، در شرایطی که نارضایتی و اعتصاب و اعتراض به اشکال مختلف در جامعه جاری است، در وضعیتی که بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرتاپیای رژیم را فرا گرفته است، در وضعیتی که استیصال و ورشکستگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ادامه حیات رژیم را سخت مشکل کرده است، روی گردانی عموم توده های مردم از صندوق های رای، اگرچه اقدامی مفید و در خور تحسین است، اما پاسخگوی شرایط عینی روند مبارزاتی کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران نیست. نیاز شرایط کنونی جامعه ما که ابستن یک انقلاب اجتماعی راستین است، نه تحریم صرف که تحریم فعال انتخابات ۲۸ خرداد است.

تحریم فعال، یعنی تشدید اعتصابات و گسترش حضور مبارزاتی مردم در کف خیابان ها برای براندازی سیستم انتخاباتی فعلی و جایگزینی آن با سیستم انتخاباتی مورد نظر توده های مردم ایران. سیستمی که کارگران و زحمتکشان، و تمامی آحاد مردم ایران به طور یکسان از حق آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار باشند. سیستمی که طبقه کارگر، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده های مردم ایران بر زندگی و سر نوشت خود حاکم باشند. تجربه ۴۲ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی نشان داده است که تحقق چنین امری، بدون سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست.

پس تحریم فعال، یعنی گسترش اعتصابات کارگری در درون کارخانه ها، یعنی سازماندهی اعتصابات سراسری و تدارک اعتصاب عمومی سیاسی، یعنی گسترش حضور مبارزاتی مردم در کف خیابان ها، یعنی تشدید مبارزه در عرصه های مختلف اجتماعی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی که کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران از صفر تا صد آن، بر امورات زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود حاکم باشند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد مضحکه انتخابات در ایران

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

نمایش "انتخاباتی" ریاست جمهوری، میان دوره ای مجلس و شوراهای اسلامی به زودی برگزار می شود. مضحکه "انتخابات" این بار، بیش از هر دوره ای بی رمق و مورد انزجار و اعتراض توده وسیع کارگر و مردم است. بی علاقه و نفرت مردم از رژیم اسلامی آنچنان عمیق و گسترده است که علنا و بدون واژه، می گویند که در نمایش ضد مردمی "انتخابات" شرکت نخواهیم کرد. رویگردانی از جمهوری اسلامی و شرکت نکردن در این مضحکه به حکم شرایط سیاسی کنونی برای اولین بار به یک گفتمان عمومی در میان مردم تبدیل شده است.

از خامنه ای تا بقیه سران رژیم آشکارا از "نه" گفتن مردم به این مضحکه های انتخاباتی بشدت نگران و با عجز و ناله از مردم می خواهند که در انتخابات شرکت کنند. هدف آنها این است که در شرایط کنونی، حکومتشان را برای مقابله با مردم و تمکین و سازش با غرب و آمریکا از طریق این انتخابات نمایشی یکدست سازند. اما سیر وقایع سیاسی، بخصوص در چهار سال گذشته از دی ماه به این سو، مهر خود را بر این اوضاع کوبیده است و به همه سران رژیم سرمایه داری و اسلامی ایران فهمانده است، نه تنها سیرک "انتخابات"، بلکه مشروعیت کلیت رژیم اسلامی از نظر اکثریت مردمی که جز رنج و مشقت و فلاکت خیری ندیده اند، تماما زیر سؤال است. و کارگران و همه اقشار تهیدست جامعه در اعتراضات و تظاهرات و خیزشهای بزرگ، عمق این نارضایتی و نفرت خود را از سیستم سرمایه داری و حاکمیت مشتی دزد و فاسد به نمایش گذاشته اند. آنها نشان دادند که شیادی و فریبکاری رژیم را دیگر تحمل نخواهند کرد. صورت مسئله اصلی مردم، امروز نه "انتخابات"، که سرنگونی و گذر از جهنم جمهوری اسلامی است. اگر بورژوازی جهانی از ترس قیام گرسنگان در ایران به جمهوری اسلامی رضایت می دهند، برای اکثریت کارگر و مردم زحمتکش که عرق در فقر و فلاکتند، این رژیم غیر قابل قبول و با آن در ستیزند.

واقعیت این است که جامعه ایران تحولات مهمی را از سر می گذراند. موقعیت کنونی و رویارویی مردم با جمهوری اسلامی و شرایط بشدت بحرانی که کلیت رژیم اسلامی در آن قرار دارد، هر نوع چشم اندازی حتی کوتاه مدت برای برون رفت از این بحران را برای جمهوری اسلامی کور کرده است. خامنه ای و سپاه پاسداران، یکدست کردن حاکمیت و کلیت ساختار رژیم را به عنوان تنها و آخرین انتخاب در تحولات پیش رو و مقابله با بحرانی و شورشهای مردم برگزیده اند. اگر در دوره های گذشته همه جناح های رژیم با استفاده از اختلاف جناحی، "اصلاح طلبی" و سبز و بنفش و یا رقابت میان به اصطلاح بد و بدتر، و با هزار نیرنگ و فریب می توانستند، بخشی از مردم را به پای بساط "انتخابات" بکشانند و به خود و رژیمشان مشروعیت ظاهری بدهند، در شرایط کنونی و در حالی که اراده مردم برای جارو کردن جمهوری اسلامی به واقعیت روز تبدیل شده است، این سناریوها کارایی خود را از دست داده اند. سالها است که مردم از سیاست انتظار و توهم به اصلاح رژیم عبور کرده و به تجربه برای عموم ثابت شده است، که شرکت در هر نمایش "انتخاباتی" در رژیم اسلامی، معنایی جز رای دادن به بقای جمهوری اسلامی و تداوم فقر و مشقت و گرسنگی و بیکاری و بیماری و محرومیت ندارد.

ما کمونیست ها و آزادی خواهان طی ۴۲ سال گذشته، در همه مقاطع، همیشه و به روشنی گفته ایم که نه تنها "انتخابات" که همه ابزارهای رژیم در خدمت به انقیاد در آوردن اراده اکثریت مردم، برای بقا و تداوم حاکمیت ستمگرانه آنان است. نمایش های انتخاباتی رئیس جمهوری تا مجلس و انتخابات شوراهای شهر و روستا، تماما در خدمت بقای حاکمیت سپاه رژیم اسلامی، گسترش فقر و فلاکت و ستم و استبداد است و کوچکترین ربطی به امیال و آرزوهای اکثریت عظیم مردم ندارد. بویژه در شرایطی که اکثریت مردم کارگر و تهیدست در یک جدال سخت و روزانه بر سر رفاه و آزادی و رهایی از ستم و استثمار با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در جنگند، مضحکه "انتخابات"، تماما در ضدیت با منافع و زندگی همین مردم است و به این دلیل با صدای رسا می گویند که نه تنها در مضحکه "انتخابات" شرکت نمی کنند، بلکه هر جا فرصت و امکانش را داشته باشند، بساط "انتخابات" را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل می کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست انتظار دارد که کارگران، زنان، جوانان و مردم مبارزی که حماسه های مبارزاتی دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ را خلق کردند، با همه ابتکار و خلاقیت، توطئه گریها و پروپاگاندا و حیله و نیرنگ های جمهوری اسلامی و مهره های ریز و درشت آن را در سطوح مختلف مضحکه "انتخابات" افشا و نقش بر آب کنند. به ویژه ترفند و بازارگرایی عده ای مهره و مزدور محلی رژیم که شرکت در بساط "انتخابات" شوراهای اسلامی شهر و روستا را توجیه می کنند، رسوا سازند.

ما همصدا با مردم آزادیخواه اعلام می کنیم، که شرکت در سطوح مختلف نمایش "انتخاباتی" اعم از بساط شوراهای اسلامی شهر و روستا و میان دوره ای مجلس تا ریاست جمهوری با هر بهانه ای مطلقا قابل قبول نیست و به معنای رای دادن به بقای جمهوری اسلامی، طولانی کردن عمر این رژیم منحوس، و دهن کجی به مبارزه کارگران و مردم و تداوم بدبختی و فلاکتی است که جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه به اکثریت کارگر و زحمتکش و اقشار محروم جامعه تحمیل کرده است.

ما به همه کسانی که در این بساط و از جمله در نمایش انتخاباتی شهر و روستا خود را کاندید می کنند هشدار می دهیم که اقدام آنها به معنای همکاری مستقیم با حکومت سپاه جمهوری اسلامی است و در فردای پیروزی مردم ایران، باید پاسخگوی اعمال خود باشند. ما بر این باوریم همانند دو سال قبل که در "انتخابات مجلس اسلامی" اکثریت عظیم مردم ایران شرکت نکردند، این بار نیز مردم آگاه و حق طلب با شرکت نکردن گسترده تر در مضحکه انتخاباتی پیش رو، جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف ضد مردمی اش ناکام خواهند کرد. ما کارگران، زنان، جوانان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و همه مردم معترض و جان به لب رسیده را فرا می خوانیم، علاوه بر شرکت نکردن قاطع و عمومی در نمایش "انتخاباتی" جمهوری اسلامی، با تشدید اعتراضات برای خواسته های بر حق خود و برای تامین معیشت و سلامت و اکسیژناسیون همگانی، بیش از پیش جمهوری اسلامی را تضعیف و به پرتگاه سرنگونی نزدیک کرده و با صدای رسا و عمل مبارزاتی خود اعلام کنیم که "انتخاب مردم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری شورایی است."

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

چرایی و چشم‌انداز افزایش اعتراضات خیابانی گروه‌های مختلف اجتماعی



اردیبهشت همچنین جمعی از معلمان تازه استخدام شده در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. از جمله خواست‌های این گروه از معلمان اجرای رتبه‌بندی و همسان سازی است. این چندمین تجمع معلمان تازه استخدام شده در برابر مجلس اسلامی بود. در همین روز در برابر اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام نیز معلمان شاغل در مدارس غیر دولتی دست به تجمع زدند، معلمانی که بدون بیمه یا به پای معلمان رسمی کار می‌کنند اما حقوق‌شان گاه به ۷۰۰ هزار تومان هم نمی‌رسد! در اهواز معلمان و کارکنان مدارس استثنایی در اعتراض به پایین بودن حقوق و مشکلات بیمه‌ای خود در برابر اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان دست به تجمع زدند.

در شیراز نیز معلمان در پی فراخوان قبلی، روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت در برابر اداره کل آموزش و پرورش استان دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مطالبات بر حق خود و آزادی معلمان زندانی شدند. در این روزها همچنین فراخوان‌های متعددی بویژه در شبکه‌های اجتماعی برای برگزاری تجمعات اعتراضی در روزهای آینده منتشر شده است.

اما جدا از همه‌ی این اعتراضات، و جدا از مبارزات و اعتراضات متعدد و روزانه کارگران، مجموعه‌ی اعتراضاتی که در ماه‌های اخیر تأثیرات مهمی از خود برجای گذاشت و همچنان ادامه دارد، اعتراضات هفتگی کارگران بازنشسته یا به عبارت دیگر "یکشنبه‌های اعتراض" است. مبارزات کارگران بازنشسته که بر بستر مادی زندگی آن‌ها و مجموعه شرایط حاکم بر جامعه از آذرماه سال گذشته شروع و به طور هفتگی ادامه داشته (و گاه حتی ۲ بار در هفته)، تحقق و تأکید عملی بر شعاری بود که از ابتدای شروع اعتراضات هفتگی توسط آن‌ها سر داده شد و آن شعار "تنها کف خیابون، بدست می‌آد حق‌مون" بود. اگرچه در هفته‌های اخیر فشارهای امنیتی بر روی بازنشستگان برای جلوگیری از ادامه اعتراضات آن‌ها افزایش یافته است، اما این فشارها نتوانسته است اعتراضات و مبارزات بازنشستگان را متوقف سازد. این اعتراض و مبارزه‌ای است ریشه‌دار، مبارزه‌ای که خواست‌های بیش از سه میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی را انعکاس می‌دهد

در صفحه ۱۱

آن‌ها نیز در این مدت شنیده نشده است. کارکنان خدمات فرودگاهی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) نیز که از طریق یکی از شرکت‌های پیمانکار مشغول به کار هستند، در اعتراض به تصمیم این شرکت برای عدم تمدید قرارداد با نیروهای شرکتی دست به اعتصاب زده و در ترمینال ۲ مهرآباد تجمع کردند که این اعتصاب آن‌ها منجر به تعطیل برخی پروازها شد. مقامات شرکت هما به بهانه‌ی مشکلات مادی به دنبال تعدیل کارگران و کارکنان شاغل در این شرکت هستند.

تعدادی از داوطلبان آزمون استخدامی وزارت بهداشت نیز در اعتراض به تغییر ضوابط و معیارهای امتحان استخدامی وزارت بهداشت در برابر ساختمان دیوان عدالت اداری دست به تجمع زدند.

در دو هفته‌ی اخیر همچنین شاهد اعتراضات گسترده‌ی دانش‌آموزان در اعتراض به امتحانات حضوری بودیم که در برخی از شهرها با تهاجم نیروهای سرکوب به صفوف دانش‌آموزان همراه بود. اما بیشترین اعتراضات در هفته‌ای که گذشت (البته بعد از اعتراضات وسیع کارگری در این هفته) متعلق به گروه‌های مختلف معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش بود.

دارندگان کارنامه سبز که چهار روز متوالی در برابر مجلس اسلامی با شعارهایی همچون "کارنامه سبز داد بزن، حق تو فریاد بزن" تجمع کرده بودند، پس از بی‌تفاوتی نمایندگان مجلس اسلامی به اعتراضات آن‌ها، روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت در برابر وزارت آموزش و پرورش در خیابان فردوسی با شعار "مجلس به این بی‌عرضه‌گی، هرگز ندیده ملت" دست به تجمع زدند. کارنامه سبزها تمام مراحل استخدام در آموزش و پرورش را طی کرده و بسیاری از آن‌ها دارای مدارک تحصیلی دکترا و کارشناسی ارشد هستند و تاکنون چندین بار نیز برای مصاحبه دعوت شده‌اند اما هر بار به بهانه‌ی کمبود ظرفیت و مانند آن از استخدام آن‌ها خودداری شده است.

سرایداران و خدمتگزاران آموزش و پرورش نیز در شهرهای شیراز و اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. آن‌ها به عدم همسان‌سازی و حقوق‌های ناچیز خود اعتراض دارند.

همچنین در حالی که نیروهای سرکوب رژیم روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت از تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در برابر مجلس جلوگیری کردند، اما جمعی از معلمان نهضت سوادآموزی در مقابل مجلس اسلامی با شعار "نهضتی داد بزن/ حق تو فریاد بزن" دست به تجمع زدند، آن‌ها روز بعد نیز به تجمع خود ادامه دادند. ۲۶

دیگر از جمله اصفهان، رشت، کرمانشاه و مشهد مقابل مراکز برنامه و بودجه این شهرها تجمع اعتراضی برگزار کردند. در تجمع بازنشستگان در برابر سازمان برنامه و بودجه تهران، نیروهای امنیتی و انتظامی به منظور ایجاد رعب و وحشت، حضور پر تعدادی داشتند. بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان به اجرای ناقص همسان سازی و عدم اعمال فوق العاده ویژه، حق جذب، سختی شرایط محیط کار و حق اشعه اعتراض دارند.

در این روزها همچنین اعتراض به معضل آب آشامیدنی، قطعی برق، فاضلاب و دفع پسماندها افزایش یافته است. برای نمونه در شهر سراوان، جمعی از اهالی بلوار بهداشت این شهر در اعتراض به نبود برق و عدم ارتقای زیرساخت‌ها در برابر فرمانداری نماینده مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. اهالی منطقه سرفقات از توابع شهرستان ایذه در خوزستان نیز در اعتراض به چندین ماه دفع غیراصولی زباله در حاشیه قبرستان روضه‌الزهرا در برابر شهرداری ایذه دست به تجمع زدند.

جمعی از اعضای تعاونی مسکن کارکنان شهرداری گلستان از توابع شهرستان بهارستان در برابر شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. آن‌ها حدود ۱۰ سال پیش بابت خرید زمین به تعاونی مسکن پول پرداخت کردند اما تاکنون موفق به دریافت زمین‌های خود نشده‌اند.

مالباختگان از جمله مال باختگان بورس بخشی دیگر از معترضان روزهای اخیر هستند که مالباختگان ارز دیجیتال و دارندگان حواله خودرو نیز به آن اضافه شده‌اند. وضعیت اقتصادی همچنین بسیاری از کارفرمایان کوچک و دارندگان مشاغل آزاد را به خیابان کشانده است. در شیراز مهندسین و پیمانکاران نسبت به مصوبه دیوان عدالت در رابطه با حذف مجری ساختمانی دست به تجمع زدند و نمایندگی‌ها و مصالح‌فروشان سیمان صوفیان نیز به دلیل کمبود سیمان در برابر استانداری آذربایجان شرقی دست به تجمع زدند.

اعتراض به اعدام سگ‌ها در تبریز و تجمع در برابر شهرداری این شهر با شعار "استعفا، استعفا" و تجمع حامیان حیوانات در اصفهان با این خواست که "زیستگاه حیوانات را نابود کرده‌ایم و الان باید آنان را سازماندهی کنیم" از دیگر تجمعات این روزها بوده است.

بازنشستگان هتل لاله تهران نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات سنواتی و مزدی خود در برابر هتل دست به تجمع زدند. به‌گفته‌ی بازنشستگان نه تنها پرداخت حق و حقوق آن‌ها را ۵ سال است که ندادند، بلکه صدای اعتراض

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



همبستگی با جنبش‌های اعتراضی و اعتصاب عمومی سراسری در کلمبیا

میلیون‌ها انسان در سراسر جهان هر روزه با فقر و فلاکت روبرو هستند. این شرایط غیر انسانی و غیر قابل تحمل ناشی از سلطه نظام سرمایه‌داری و بحران‌های آن، در نتیجه پی‌آمدهای پاندمی کرونا، بیش از پیش تشدید شده است.

برای نمونه، در آمریکای لاتین در سالی که گذشت، نرخ فقر بالغ بر ۳۳ / ۷ درصد، نرخ بیکاری ۱۰ / ۷ درصد بود و در مجموع بیش از ۷۸ میلیون انسان در فقر مطلق زندگی کرده‌اند (۸ میلیون نفر بیش از سال ۲۰۱۹).

دولت‌های حاکم در واکنش به این بحران اقتصادی، به افزایش و تنوع مالیات‌ها برای طبقه کارگر روی آوردند. این اقدامات در کلمبیا از طریق رفرم مالیاتی دولت راست افراطی "ایوان دوکه" برای سومین بار در دستور کار قرار گرفت تا بار بحران بر دوش مردم تهیدست و استثمارشده‌ای قرار گیرد، که مسئول وقوع بحران نبوده و نیستند.

از این‌رو، در کلمبیا هزاران نفر به مقابله با این وضعیت پرداختند. بیش از همه این جوانان اقشار تهیدست جامعه در مناطق مختلف شهرها بودند که در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها دست به اعتراض و مقاومت زدند.

مبارزات امروز توده‌های کارگر و زحمتکش کلمبیا ادامه موج اعتراضات و جنبش‌های اعتراضی است، که از سال ۲۰۱۹ در آمریکای لاتین آغاز گشته و به احیای جنبش‌ها و سازمان‌های توده‌ای انجامیده است.

اعتراضات اجتماعی و اعتصاب عمومی سراسری که از ۲۸ آوریل امسال در کلمبیا علیه خطر فقر و فلاکت به عنوان نتایج اجتناب ناپذیر نولیرالیسم، آغاز گردیده‌اند، بی‌وقفه ادامه دارند.

بیش از ۱ / ۷ میلیون خانوار کلمبیایی روزانه از دسترسی به تغذیه مناسب محروم‌اند. نرخ بیکاری در کلمبیا ۱۴ / ۲ درصد و نرخ فقر بیش از ۴۲ / ۵ درصد است؛ در واقع تقریباً نیمی از جمعیت کلمبیا در خط فقر زندگی می‌کنند.

دولت کلمبیا، همانند همه دولت‌هایی که منافع نظام حاکم را در خطر می‌بینند، به سرکوب خشن این اعتراضات روی آورده است. تنها در ده روز اول این اعتراضات ۴۷ نفر به قتل رسیدند (۳۹ نفر در نتیجه خشونت پلیس)، ۴۵۱ نفر مجروح شدند (۳۲ نفر با جراحات چشم و ۳۲ تن نیز بر اثر شلیک گلوله). ۱۲ نفر مورد تعرض جنسی قرار گرفتند، ۵۴۸ نفر ناپدید شده‌اند و بالغ بر ۹۶۰ نفر نیز دستگیر شده‌اند.

اعتراضات توده‌های کارگر و زحمتکش کلمبیا هنوز ادامه دارد. مذاکرات با دولت برای پاسخگویی به خواسته‌های معترضان تاکنون بی نتیجه مانده است.

کارگران و زحمتکشان کلمبیا، مانند کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، برای پیروزی در مبارزه خویش به همبستگی فعال بین‌المللی نیاز دارند.

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن همبستگی با این مبارزات و حمایت از خواسته‌های برحق کارگران و زحمتکشان کلمبیا، افکار عمومی مترقی جهان را به حمایت از این مبارزات فرامی‌خواند.

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

کارگران جهان متحد شوید!

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۰ آوریل ۲۰۲۱

چرایی و چشم‌انداز افزایش اعتراضات خیابانی گروه‌های مختلف اجتماعی

و در طول این ماه‌ها به پژواک قدرتمند صدای آن‌ها تبدیل شده است.

آن چه که باید بر آن تاکید کرد این است که اگرچه بازنشستگان تامین اجتماعی خواست‌های متعددی دارند، اما عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در همین محدوده‌ای که تاکنون در مورد افزایش مستمری بازنشستگان صورت گرفته و حتی می‌توان گفت در طول حیات جمهوری اسلامی سابقه نداشته است، نتیجه مستقیم این مبارزات است. اگر این مبارزات نبود، رژیم هم هرگز به افزایش مستمری بازنشستگان راضی نمی‌شد. همان‌طور که در افزایش میزان مستمری سال جدید نیز رژیم سعی کرد با یک کلاهبرداری مقتضحانه میزان افزایش مستمری بازنشستگان را براساس میزان مستمری آن‌ها در خرداد ماه سال گذشته حساب کند و نه براساس آخرین میزان مستمری سال گذشته در اسفند ماه. همین روش کلاهبردارانه موجب شد تا اعتراضات بازنشستگان در آغاز سال جدید حتی به دو بار در هفته تبدیل شده و تعداد شرکت‌کنندگان در اعتراضات نیز افزایش یافت که موجب عقب‌نشینی سریع رژیم شد.

باقی ماندن بازنشستگان تامین اجتماعی در خیابان برای تحقق خواست‌های خود درس بزرگی بود که به جامعه و دیگر گروه‌های اجتماعی داده شد و این‌که امروز روزانه شاهد تجمعات متعددی توسط گروه‌های مختلف اجتماعی هستیم نتیجه همین شکستن جو حاکم بر جامعه توسط بازنشستگان و رسیدن به درستی و اهمیت شعار "تنها کف خیابون بدست میاد حق‌مون" توسط گروه‌های متعدد جامعه بود، گروه‌هایی که آن‌ها نیز براساس زندگی واقعی خود و شرایط حاکم بر جامعه به این نتیجه رسیدند که حق گرفتاریست و تنها راه رسیدن به "حق" آمدن به کف خیابان است.

واقعیت این است که با توجه به چشم‌انداز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، اعتراضات خیابانی نه تنها متوقف نخواهند شد بلکه مدام بر تعداد آن‌ها و اقشار و گروه‌های اجتماعی معترض به وضع موجود افزوده خواهد گردید. در هفته‌های گذشته اعتراضات پرستاران و کشاورزان را نیز شاهد بودیم. با توجه به بحران آب و کمبود برق، اعتراضات کشاورزان و ساکنان محلات، بویژه در مناطق حاشیه‌ای نیز افزایش خواهد یافت. بحران اقتصادی رکود - تورمی با پرتاب کردن اقشار متوسط جامعه به زیر خط فقر و افزودن بر خیل بیکاران، و نیز خطر رانده شدن به زیر خط فقر برای بخش دیگری از اقشار میانی جامعه، همگی آن‌ها را به کف خیابان خواهد کشاند، این چشم‌اندازیست که برای جمهوری اسلامی گریزی از آن نیست. اقشار گوناگون جامعه برای پایان دادن به وضع موجود، راهی جز پیوستن به مبارزات طبقه کارگر برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی ندارند.

چرایی و چشم‌انداز افزایش اعتراضات خیابانی گروه‌های مختلف اجتماعی



جدا از آنکه روزانه شاهد اعتراضات متعدد کارگری هستیم، تجمعات اعتراضی از سوی دیگر اقدار جامعه نیز فزونی یافته و روزانه شاهد برگزاری تجمعات گوناگونی در برابر ادارات و مراکز دولتی هستیم. روز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان در تهران و چند شهر در صفحه ۱۰

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliya>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 921 May 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی